

یادداشت

یادکردی از محمدامین ریاحی در سالروز تولدش

آیتی از فره شهر خوی

▲ ژاله آموزگار



من همانند همه مردم به زادگاهم دلبسته‌ام و خوشحالم که در دوران مأموریت فرهنگی پدرم در شهر دوست‌داشتنی خوی به دنیا آمده‌ام و سال‌های پر از نشاط و شادمانی کودکی و نوجوانی‌ام را به این شهر خوش آب و هوا و همشهریان مهربانم مدیونم. بعدها که از خود این شهر به دور افتادم سعی کردم به این دلبستگی‌ام در مسیر باورهای اسطوره‌ای معنایی دیگر ببخشم. به یاد آوردم که شهرها هم می‌توانند «فره» داشته باشند. این نیروی جادویی و آسمانی که نه تنها در وجود هر انسان و هر موجود خوب و زیبا و سودمندی به ودیعه گذاشته شده بلکه شهرها و دهها و خانه‌ها و درخت‌ها هم می‌توانند فره مخصوص به خود را داشته باشند. وقتی به یاد آب و هوای مطبوع، چشم اندازه‌های زیبا، چشمه‌های پرآب و دل‌های پر مهر همشهریانم افتادم و رقم بالای تحصیلکرده‌های این شهر را که بجز خوی در تهران و شهرهای عمده ایران و در کشورهای خارج از ایران، در قالب شخصیت‌های بنام و خوشنام علمی و ادبی به خدمت مشغول‌اند و مجله خوی نگار در هر شماره به سراغ یکی از اینها می‌رود، از نظر گذراندم این فرضیه اسطوره‌ای در ذهنم بیشتر قوت گرفت. بعد به یاد آوردم که جلوه دیگری از این فره شهر ما استاد بزرگوار «محمدامین ریاحی» است. این بزرگمرد در سال ۱۳۰۲ در این شهر چشم به جهان گشوده است و بر اثر جوهر وجودی خودش و شرایط ادب پرور آن دوران و حلقه دانشمندان بنام آن روزگاران، چنان محیط مناسبی برای او فراهم شد که توانست به چنان مرتبه علمی و فرهنگی والایی برسد که افتخار ایران گردد. این بزرگمرد برخاسته از خوی، ادیب، دانشمند، تاریخدان، شاهنامه شناس و حافظ پژوه کم نظیر نه تنها در عرصه ادب بدرخشید بلکه با خدمات فرهنگی



از راست: احمد اقتداری، محمد امین ریاحی و عباس زویب ریاحی / کوشکک لورا (بیلاقی ایرج افشار) ▲

متعدد کارنامه علمی و فرهنگی خود را چنان درخشان کرد که به دانشمندی در سطح جهانی تبدیل شد و افتخاری بر افتخارات شهر خوی افزود. او که عشق به ایران از همه وجودش برمی‌تافت، در کنار موفقیت‌های علمی و فرهنگی‌اش پایه گذار افتخاری جاودانه برای زادگاهش نیز شد و یادگاری به‌جای گذاشت که نه زودونی است و از یاد رفتنی. آرامگاه شمس تبریزی در خوی که به همت این والا‌مرد رسمیت یافت چشمه جوشان و پر نعمتی برای شهر خوی است که سال به سال بر نام‌آوری این شهر خواهد افزود. او که عاشق فردوسی بود و در روز فردوسی (۲۵ اردیبهشت) سال ۱۳۸۸ نقاب در خاک کشید، به نظر من آیتی از فره شهر ما بود.

آنچه را مدیرکل دادگستری می‌خواند، در تقویم بغلی خود می‌نوشت. برای من دیگر جای خودنمایی نماند. دیدم اگر حرفی بزنم، بی‌اطلاعی استاد را در حضور جمع بیان کرده‌ام. عصر همان روز خارج از تبریز در دامنه تپه‌ای به گردشگاهی رفته بودیم که با درختان کهن چند صد ساله، صفا و هوایی بهشتی داشت.

درکنار دریاچه یا استخری مصنوعی نشسته بودیم و چای می‌خوردیم. استاد رو به من کرد و گفت: دیدم سیب خیلی بی‌تاب بودی که بگویی ادعای آن آقا در کشف مزار اوحدی تازگی ندارد و پیش از این در مجله



زنده‌یاد ریاحی خیلی خوش حافظه و سخنور بود و هر مطلبی که بیان می‌کرد با تمام دقایق به مخاطب توضیح می‌داد. مردی امین و نکته سنج بود.

و به پایان رسید. همکاری به من گفت که پژوهش او را بررسی کنم. گفتم چون استاد ریاحی کارهای عمده درباره زندگانی و اشعار کسانی انجام داده‌اند، از ایشان خواهش می‌کنم که مطالعه کنند و... به محض پیشنهاد من گفتند: من خود در حال حاضر مشغول آثار کسایی هستم و صلاح نیست در این موقعیت من تحقیق فرد دیگری را مطالعه کنم. لابد استحضار دارید که در آن فرصت تعطیلی چه کسانی تحقیق کردند و تحقیقات به‌نام چه کسانی به چاپ رسید!!

ریاحی مردی بلند قامت بود، در سنین بالا هم قامتش خم نشده بود، در مراسم تشییع که پیکرش را درکنار مزار

ابدی قرار دادند، همان قامت راست را داشت. در قدردانسی و احترام به استادان نظیر نداشت. خاطره‌ای از آن مرحوم نقل می‌کنم که یادی هم از استاد

استادان بدیع‌الزمان فروزانفر به‌میان آید: می‌نویسد: «در خرداد ۱۳۲۷ که دانشگاه تبریز به‌عنوان دومین دانشگاه ایران تازه تأسیس شده بود، استاد برای ایراد چند سخنرانی و تحکیم پایه‌های دانشکده ادبیات به تبریز دعوت شد. من در آن سفر یک هفته در خدمت استاد بودم، لذت‌ها بردم و چیزها آموختم. فضایی تبریز پرونه‌وار گرد وجود استاد می‌چرخیدند.

یک روز مدیر کل دادگستری‌های آذربایجان به وزارت اسناد آمد. او شخصیتی ممتاز داشت

و سه چهار سال بعد، وزیر یا کفیل وزارت دادگستری شد. آن روز به محض ورود نهایت احترام را به استاد کرد و گفت: مرا ببخشید که در شرفیابی تأخیر کرده‌ام، عذرم موجه است. شهرستان‌ها رفته بودم، اما اگر دیر آمده‌ام، دست خالی نیامده‌ام. درمراغه سنگ‌گور اوحدی مراغه‌ای را یافتم و نوشته‌اش را با دقت یادداشت کردم. من به اقتضای خاص جوانی هیجانی داشتم، تا حرفش تمام شود و بگویم که کتیبه گور اوحدی سال‌ها پیش در دو جا چاپ شده است.

استاد نگاه معناداری به من کرد و گفت: کشف بسیار مهمی است. آقا لطفاً بخوانید، تا من یادداشت کنم. قلم مرا گرفت و



نستند از استاد محمدامین ریاحی، به‌همین عنوان‌ها در روز یکم اردیبهشت ۱۳۸۸ در شبکه‌های تلویزیونی

به شوق ۱۱ خرداد؛ نود و دومین سال‌زاد دکتر «محمدامین ریاحی»

آزاد مردی که فردوسی‌وار زیست



▲ توفیق سبحانی

ایشان دیده بودم. حوادث گوناگون پشت سر هم آمد، رنگ عوض کرد، دیگرگون شد، زمانی من نمی‌توانستم ایشان را زیارت کنم. روزی با تردید و رودربایستی و... دل‌به دریا زدم و به ایشان تلفن کردم. پاسخی که به تلفن من دادند و حال و احوالی که از من و دیگران پرسیدند، گویی من از خواب بیدار شده‌ام. به دیدارشان رفتم. همان بود که در بنیاد شاهنامه می‌دیدم یا در مجالس علمی که شرکت می‌کردم، مرتب، خندان و باصلاط.

در ته دل می‌خواستم که در هر زمان مساعد ایشان را ببینم و از نظراتشان بهره‌مند شوم، اما نمی‌خواستم ایشان ذره‌ای ناراحت شوند. من معمولاً نیم‌ساعت با آرامش در حضورشان بودم و می‌خواستم که از عرف بیشتر مزاحم نشوم. انسانی تیزهوش بود، به فردوسی، شاهنامه و حماسه پیردارم. در آن ایام هم دکتر ریاحی همان شیوه و رفتار را داشت که در زمان مدیریت کل از

هم بدوزیم، شما هرگز در رفتن از منزل من شتاب به‌خرج ندهید. من اگر محذوری داشتم، مطمئن باشید که بی‌درنگ به شما می‌گویم. من هم که از خدا خواسته بودم، باز در خدمت ایشان می‌نشستم.

زنده‌یاد ریاحی خیلی خوش حافظه و سخنور بود و هر مطلبی که بیان می‌کرد با تمام دقایق به مخاطب توضیح می‌داد. مردی امین و نکته سنج بود، در دوره انقلاب فرهنگی که دانشگاه‌ها تعطیل بود گفتند که استادان دانشگاه طرحی برای تحقیق در نظر بگیرند و در دوره فترت پژوهش کنند و به وزارتخانه ارائه دهند. همکاری داشتیم به من متوسل شد، من پژوهش درباره کسایی مروری را به او پیشنهاد کردم که با هم کار کنیم. به‌دلیل آنکه آن همکاری خاتم بود، نپذیرفتند.

من خواستم که آن طرح را همکار ما انجام دهد و من تحقیق دیگری در نظر گرفتم. کار همکاری پیشرفت کرد

...! شاه

هر گردی، گردو نیست...!

برند جهانی اُجنرال
مشابه تقلبی بسیار دارد
کافی‌است

با مراجعه به این سایت
www.nia.ir در قسمت
"کنترل اصالت و گارانتی"
با وارد کردن شماره سریال دستگاه خریداری شده، از اصل بودن کولر خود مطمئن شوید.

اُجنرال

GENERAL DE

نماینده انحصاری سیستم‌های تهویه مطبوع اُجنرال در ایران
تهران، بلوار میرداماد، بعد از خیابان نفت جنوبی، پلاک ۲۴۲، ساختمان نیا

تلفن: 021 2322

www.nia.ir

info@nia.ir

عرضه در کلیه فروشگاه‌های معتبر و زنجیره ای کشور

THOMSON
Since 1883, France

تضمین کیفیت و برتری

OPALE

ONYX

- تکنولوژی صرفه جویی در مصرف انرژی (Ecomode)
- پیغام گیر دیجیتال/ ضبط تا ۱۰ دقیقه
- ذخیره ۵۰ نام و شماره تلفن
- دارای بلندگوی دیجیتال
- قابلیت تنظیم حالت بی صدا

قیمت: ۹۹ هزار تومان

- ۱۹ رنگ متنوع
- نور پس زمینه صفحه کلید
- پیغام گیر دیجیتال/ ضبط تا ۱۵ دقیقه
- صفحه نمایش رنگی TFT ۱.۸ اینچی
- ذخیره ۱۰۰ نام و شماره تلفن
- دارای بلندگوی دیجیتال

قیمت: ۱۳۵ هزار تومان

تکنولوژی و اصالت فرانسوی در تلفن های تاسمسون

BERYL

- تکنولوژی صرفه جویی در مصرف انرژی
- ذخیره ۵۰ نام و شماره تلفن
- ۱۰ رنگ متنوع
- صفحه نمایش نوری
- قابلیت تنظیم حالت بی صدا
- دارای بلندگوی دیجیتال

قیمت: ۸۰ هزار تومان

AMBER

- تکنولوژی صرفه جویی در مصرف انرژی
- ذخیره ۵۰ نام و شماره تلفن
- قابلیت تنظیم حالت بی صدا
- دارای بلندگوی دیجیتال
- ۱۰ رنگ متنوع

قیمت: ۷۰ هزار تومان

LADIZ ELECTRONIC

www.ladizelectronic.com

مرکز صوت و تصویر پایتخت ۱ : ابتدای بلوار میرداماد، مجتمع کامپیوتر پایتخت، طبقه اول

مرکز صوت و تصویر پایتخت ۲ : بلوار میرداماد، جنب ایستگاه مترو، مجتمع رز میرداماد، طبقه اول

تلفن: ۰۲۶۴۰۸۲۵-۶

تلفن: ۰۲۶۴۰۴۷۲۰